

سارق کنسرو ماهی به دام افتاد

پسر جوانی که از فروشگاه‌ها مواد غذایی سرقت می‌کرد، هنگام سرقت یک عدد کنسرو ماهی به دام افتاد.

به گزارش «جوان»، روز جمعه ۲۵ فروردین کارکنان فروشگاه بزرگی در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران با اداره پلیس تماس گرفتند و اعلام کردند پسر جوانی را هنگام سرقت از فروشگاه دستگیر کرده‌اند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی فروشگاه شدند و پسر ۲۵ ساله را که کنسرو ماهی سرقت کرده بود، بازداشت کردند. یکی از کارکنان به مأموران گفت: پشت میز فروشگاه نشسته بودم و او از طریق دوربین فروشگاه مشتریان را زیر نظر داشتم تا اینکه پسر جوان وارد مغازه شد. او دقیقاً داخل مغازه چرخید و کالاهای مختلفی را از قفسه برداشت و دوباره سر جایش گذاشت تا اینکه متوجه شدم کنسرو ماهی را از قفسه برداشت و به طرف در حرکت کرد و در نزدیکی صندوق هم کنسرو را داخل جیبش گذاشت. او می‌خواست از مغازه بیرون برود که با کمک مشتریان دیگر او را دستگیر کردیم. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد متهم فرزند نام دارد و سارق سابقه‌داری است که چند باری به اتهام سرقت دستگیر و راهی زندان شده‌است.

وی پس از انتقال به اداره پلیس به سرقت‌های سریالی از فروشگاه‌های مواد غذایی اعتراف کرد. متهم گفت: «من بی‌کارم و از زمانی که معتمد شده‌ام خانه‌ام را ترک کرده‌ام و جای مکانی هم ندارم. معمولاً از فروشگاه‌ها مواد غذایی کنسرو ماهی، رب گوجه‌فرنگی و مواد غذایی دیگر سرقت می‌کنم. و بعد هم بیرون می‌روم. بعضی از اقلام سرقتی را هم مصرف می‌کنم. تا الان چند باری بازداشت شده و به زندان افتادم. مدتی قبل از زندان آزاد شدم و دوباره شروع به سرقت خرد کردم.»

قاتل دختر عمو

به طناب دار نزدیک شد

جلال ستوده

حکم قصاص مردی که از پنج سال قبل به اتهام قتل دختر عموش در بازداشت بسر می‌برد در دیوان عالی کشور تأیید شد.

اعضای خانواده‌های هم شدن دخترشان را به پلیس گزارش دادند. آنها گفتند دخترشان سمانه در خانه‌ای مجردی در خیابان هاشمی زندگی می‌کند و چند روزی است از او خبری ندرد. پدر دختر با اطلاع از این موضوع به پلیس اطلاع داد و درخواست تحقیقات مأموران پلیس آگاهی برای پیدا کردن دختر گمشده به جریان افتاد. بررسی‌های بعدی نشان داد او کارمند گاستری است و از مدتی قبل با پسر عموش که مردی ۳۲ ساله به نام رحیم است از تباط دارد. بعد از به دست آمدن این سرنخ رحیم به عنوان مظنون مورد تحقیق قرار گرفت. او در جریان تحقیقات ماجرای از تباط خود با سمانه من شرح داد و در ساختن در حال ساختن مشغول به کار بوده تا اینکه ساعتی قبل پشت فروشگاه راه تهرانسرا با چهار مرد چاقو به دست درگیر شده و به قتل رسیده‌است. مأموران در ادامه خانواده مقتول را شناسایی کردند و در یافتن مقتول از مدتی قبل با سه برادر به نام‌های بصیر، نذیر و بشیر و داماد آنها اختلاف داشته و مدتی قبل در بازداشت قرار گرفته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

پس از بررسی‌های فیلیم دوربین‌های مداربسته محل حادثه را برای شناسایی عاملان قتل مورد بازبینی قرار دادند که مشخص شد نذیر در آن درگیری حضور داشته، اما دو برادرش با دامادشان به نام مقصود، مقتول را با چاقو زخمی کردند و کتک کاری داشته‌است.

سختگوی فراچا از ارسال صدها پیامک که در خودرو کشف حجاب کرده‌اند خبر داد و گفت برخی اصنافی که به هشداری پلیس توجه نکرده‌اند، پلمب شده‌اند.

سردار سعید منتظرالمهدی با بیان اینکه رعایت قوانین و ارزش‌های ایرانی - اسلامی، نقطه مشترک مردم است، گفت: «بانوان و دختران محترم بر اساس مسئولیت اجتماعی و تکلیف ایمانی، انسانی و شهروندی خویش برای جلوگیری از رواج ناهنجاری‌های اجتماعی و ارتقای سلامت روان جامعه نسبت به رعایت پوشش مناسب و در شأن و منزلت‌شان اقدام می‌کنند و ما یقین داریم همه شهروندان ضمن عمل به توصیه‌های پلیس، خودشان و دیگر سازمان‌های متولی فرهنگ عمومی در خصوص رعایت حجاب در مشی و رفتارشان حامی و مروج روح معنویت و پوشش هنجارمند در جامعه هستند.»

وی با اشاره به اجرای طرح عفاف و حجاب از شنبه ۲۶ فروردین‌ماه در سراسر کشور ادامه داد: «پلیس به استناد قانون، ملزم به پیگیری و مفاد قانون است از همین‌رو آشکار است رفتار پلیس متناسب با جامعه و فرهنگ ایرانی با کمترین تقابل خواهد بود. پلیس در مواجهه با معذور افرادی که گویا از کراهی دیگر آمده‌اند و از عرف و هنجارهای کشور مطلع نیستند و قوانین را نادیده می‌گیرند و برخلاف قانون عمل می‌کنند، اعمال قانون می‌کند.»

ثبت کشف حجاب در خودروها

سردار منتظرالمهدی به تشریح اقدامات انجام شده از زمان اجرای طرح عفاف پرداخت و گفت: «از زمان اجرای طرح طی ۲۴ ساعت گذشته چندصد مورد کشف حجاب در خودرو توسط

پلیس: پیامک‌های کشف حجاب برای هنجار شکنان ارسال شد

ارسال ۳ هزار و ۵۰۰ پیامک به واحدهای صنفی منتظرالمهدی ادامه داد: «در تداوم اجرای این طرح، ۳ هزار و ۵۰۰ پیامک در راستای رعایت قوانین و ضوابط اجتماعی و نظارت بر پوشش متصدیان به واحدهای صنفی ارسال شده که منجر به اخذ ۵۳۲ تعهد الکترونیکی شده‌است. همچنین همکاران ما ۱۳۷ مغازه و فروشگاه و ۱۸ رستوران و باغ تالار را به علت عدم توجه به تذکرات قبلی پلمب کرده و برای آنان پرونده قضایی تشکیل شده‌است.»

وی با بیان اینکه در حوزه معابر و اماکن عمومی نیز تعداد قابل توجهی از هنجارگریزان به مراجع قضایی ارجاع شدند، گفت: «پلیس مأموریت‌های متنوع و متعددی دارد. از مقابله بی‌امان با سارقان، پیشگیری از سرقت، مبارزه با سوداگران مرگ و فرورشدگان مواد مخدر، جمع‌آوری معتادان متجاهر و تحویل به مراجع درمانی و تلافیف سیمای شهر گرفته تا صیانت و حراست از جای‌های کشور، مرز تا کوچ‌پس کوچ‌های شهرها و صدها مأموریت مهم دیگر و همه و همه با هدف برقراری امنیت صورت می‌پذیرد که طبیعتاً انجام و فرجام پهنه این مأموریت‌ها مستلزم حمایت و همراهی مردم عزیزمان است و اعداد و ارقام اعلام شده در بالا بیانگر غنای فرهنگی جامعه، هوشمندی و اخلاق مداری شهروندان است. از همین‌جا به نمایندگی از سازمان بزرگ پلیس از شهروندان راقد و عزیزان تقدیر و تشکر می‌کنم و انتظار می‌رود گماکان سازمان‌های مردم‌نهاد، شکل‌ها و گروه‌های دانشجویی، نخبگان، اساتید، هنرمندان، اصحاب رسانه، مراجع دینی و علمی پیگیر وظایف نهاد‌های فرهنگ‌ساز در زمینه‌های مختلف اجتماعی باشند و خود نیز برای این مهم با استفاده از شیوه‌های اقناعی و ایجاد گفت‌وگو و صمیمیت تلاش کنند.»



ناظرین پلیس ثبت و از طریق پیامک به اطلاع صاحبان خودرو رسیده است که بالغ بر ۸۴ درصد تمکین کرده‌اند. صرفاً پیامک دوم برای تعداد انگشت‌شماری که متأسفانه رعایت نکرده‌اند ارسال شده است. پیامک دوم مبنی بر توقیف سیستمی خودرو و ارجاع به مراجع قضایی در اختیار برای بار سوم خودرو متوقف و راهی پارکینگ خواهد شد.»

سختگوی فراچا درباره اقدامات پلیس در حوزه اصناف هم گفت: «قبل از اجرای طرح، فرماندهان انتظامی استان‌ها اقدام به برگزاری جلسات توجیهی با متصدیان و نمایندگان واحدهای صنفی و اماکن عمومی کرده و درباره لزوم رعایت ابلاغیه‌های صادره در زیرمجموعه‌شان تذکرات لازم را مطرح کردند که خوشبختانه همکاری اصناف و متصدیان در این خصوص بی‌نظیر بود که جای تشکر و قدردانی دارد.»

متهم: فرمان قتل داشتم

کردند. متهم صبح دیروز به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها با اظهار بشیمانی به قتل اعتراف کرد. وی در ادامه به دستور قاضی محمد جواد شفیعی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با قاتل

آرام و قرار نداشت و هر زمانی از برادر ناتنی‌اش صحبت می‌کرد، اشک پهنای صورتش را می‌پوشاند. می‌گفت برادرم نذیر زرنگ بود و من سباده را فریب داد و وارد معرکه درگیری کردم. تازه زندگی‌ام سر و سامان گرفته بود و همراه دو فرزندم و همسرم با درآمدی که در مرغ‌فروشی داشتم خوشی می‌کردم، اما برادرم من را تحریک و دست مرا به خون سعید آلوده و زندگی‌ام را نابود کرد.

نذیر چند سال است در ایران زندگی می‌کند؟

من ۱۳ سال قبل به همراه همسر و مادرم به ایران آمدم و شروع به کار کردم. به چه کاری مشغول بودی؟ من در مغازه مرغ و ماهی‌فروشی کار می‌کردم و کارم قطعه‌قطعه کردن مرغ و ماهی بود. مقتول را می‌شناختی؟ مقتول و خانواده‌اش در افغانستان همسایه ما بودند، اما او را زیاد ندیده بودم و آشنایی با او نداشتم.

چرا روز حادثه او را به قتل رساندی؟ برادر ناتنی‌ام نذیر مرا فریب داد. او زندگی‌ام را نابود کرد. تازه زندگی‌ام رو روال افتاده بود و همراه همسر و دو دختر خردسالم خوشی می‌کردم، اما او مرا تحریک کرد و باعث شد به خاطر او وارد درگیری شوم و گرنه با مقتول هیچ مشکل و اختلافی نداشتم.

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.

از طرفی هم مدتی قبل از درگیری، خانواده آنها در افغانستان یکی از بستگان نزدیک دامادمان را به قتل رسانده بودند و با نذیر هم درگیر شده بودند. حدود شش ماه قبل از درگیری من هم، برادرم نذیر در مراسم عروسی در سرسایب کرج به خاطر رقص با برادر سعید درگیر شده بود و در آن درگیری نذیر کتک خورده بود. پس

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.

از طرفی هم مدتی قبل از درگیری، خانواده آنها در افغانستان یکی از بستگان نزدیک دامادمان را به قتل رسانده بودند و با نذیر هم درگیر شده بودند. حدود شش ماه قبل از درگیری من هم، برادرم نذیر در مراسم عروسی در سرسایب کرج به خاطر رقص با برادر سعید درگیر شده بود و در آن درگیری نذیر کتک خورده بود. پس

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.

از طرفی هم مدتی قبل از درگیری، خانواده آنها در افغانستان یکی از بستگان نزدیک دامادمان را به قتل رسانده بودند و با نذیر هم درگیر شده بودند. حدود شش ماه قبل از درگیری من هم، برادرم نذیر در مراسم عروسی در سرسایب کرج به خاطر رقص با برادر سعید درگیر شده بود و در آن درگیری نذیر کتک خورده بود. پس

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.

از طرفی هم مدتی قبل از درگیری، خانواده آنها در افغانستان یکی از بستگان نزدیک دامادمان را به قتل رسانده بودند و با نذیر هم درگیر شده بودند. حدود شش ماه قبل از درگیری من هم، برادرم نذیر در مراسم عروسی در سرسایب کرج به خاطر رقص با برادر سعید درگیر شده بود و در آن درگیری نذیر کتک خورده بود. پس

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.

از طرفی هم مدتی قبل از درگیری، خانواده آنها در افغانستان یکی از بستگان نزدیک دامادمان را به قتل رسانده بودند و با نذیر هم درگیر شده بودند. حدود شش ماه قبل از درگیری من هم، برادرم نذیر در مراسم عروسی در سرسایب کرج به خاطر رقص با برادر سعید درگیر شده بود و در آن درگیری نذیر کتک خورده بود. پس

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.

از طرفی هم مدتی قبل از درگیری، خانواده آنها در افغانستان یکی از بستگان نزدیک دامادمان را به قتل رسانده بودند و با نذیر هم درگیر شده بودند. حدود شش ماه قبل از درگیری من هم، برادرم نذیر در مراسم عروسی در سرسایب کرج به خاطر رقص با برادر سعید درگیر شده بود و در آن درگیری نذیر کتک خورده بود. پس

برادرت چه اختلافی با سعید داشت؟ خانواده سعید با خانواده ما رابطه خوبی نداشتند و حتی آنها به من حسودی می‌کردند که در ایران کار خوبی پیدا کرده‌بودم و درآمد و زندگی‌ام خوب بود.



خیابان احمدقصیر آینه تمام‌عیار بی‌نظمی ترافیکی

این مسیر منصرف شود، چاره‌ای ندارد که اول از جوی آب ببرد و بعد وارد منابع بعدی که همان باغچه‌های شهری است، شود. اگر شهرداری باغچه‌ها را آبیاری کرده باشد، کار برای رانندگان سخت‌تر می‌شود، چرا که با یک خطای محاسباتی به راحتی تا میخ با گل فرو می‌روند. عبور از باغچه و ورود به عرصه خیابان، پایان راه نیست، چرا که در خیابان هم چند ردیف خودرو به صورت دیوانه‌وار با سرعت بالا حرکت می‌کنند. چرا که عبور از میان خودروها و موتورسیکلت‌های پارک شده در پیاده‌روهای این خیابان‌های فرعی آن بدون آمارگی جسمانی ممکن نیست. بروز تخلف در این خیابان‌ها با سرعت بسیار زیاد و بی‌توجهی به قوانین ترافیکی که در نهایت معبری باریک که برای عبور خودروهای عبوری وجود دارد و ترافیکی که به دنبال آن همیشه برقرار است.

وقتی از خیابان شهید بهشتی قدم به خیابان احمدقصیر می‌گذراید، پیاده‌روها در تسخیر موتورسیکلت‌ها و خودروها می‌بینید. رانندگان این وسایل نقلیه برای خالی‌سازی پارک کردن پیدا کرده‌اند. آن‌ها پارک کرده و به دنبال کار و زندگی‌شان رفته‌اند. مشخص است خیابان‌ها هم راحت است، چرا که پلیس و شهرداری مزاحمتی برایشان ایجاد نمی‌کنند. اینجا نه موتورسیکلت‌ها و خودروها و نه آن‌ها مأموران شهرداری می‌توانند تقریباً غیرممکن است. برای همین بعد از مواجه شدن با اولین مانع چاره‌ای جز برگشت به مسیر اولیه ندارند.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

این مسیر منصرف شود، چاره‌ای ندارد که اول از جوی آب ببرد و بعد وارد منابع بعدی که همان باغچه‌های شهری است، شود. اگر شهرداری باغچه‌ها را آبیاری کرده باشد، کار برای رانندگان سخت‌تر می‌شود، چرا که با یک خطای محاسباتی به راحتی تا میخ با گل فرو می‌روند. عبور از باغچه و ورود به عرصه خیابان، پایان راه نیست، چرا که در خیابان هم چند ردیف خودرو به صورت دیوانه‌وار با سرعت بالا حرکت می‌کنند. چرا که عبور از میان خودروها و موتورسیکلت‌های پارک شده در پیاده‌روهای این خیابان‌های فرعی آن بدون آمارگی جسمانی ممکن نیست. بروز تخلف در این خیابان‌ها با سرعت بسیار زیاد و بی‌توجهی به قوانین ترافیکی که در نهایت معبری باریک که برای عبور خودروهای عبوری وجود دارد و ترافیکی که به دنبال آن همیشه برقرار است.

وقتی از خیابان شهید بهشتی قدم به خیابان احمدقصیر می‌گذراید، پیاده‌روها در تسخیر موتورسیکلت‌ها و خودروها می‌بینید. رانندگان این وسایل نقلیه برای خالی‌سازی پارک کردن پیدا کرده‌اند. آن‌ها پارک کرده و به دنبال کار و زندگی‌شان رفته‌اند. مشخص است خیابان‌ها هم راحت است، چرا که پلیس و شهرداری مزاحمتی برایشان ایجاد نمی‌کنند. اینجا نه موتورسیکلت‌ها و خودروها و نه آن‌ها مأموران شهرداری می‌توانند تقریباً غیرممکن است. برای همین بعد از مواجه شدن با اولین مانع چاره‌ای جز برگشت به مسیر اولیه ندارند.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

خیابان احمدقصیر و بی‌نظمی‌های ترافیکی که در آن می‌یاد می‌کند، نمونه‌ای تمام‌عیار از آشفتگی، شلوغی و ولنگاری ترافیکی است که هر روز و در حال تکرار شدن است.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص حسابرسان کوثر بنیاد تعاون بسج به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۱۸۶۶۰ و به شماره ثبت ۱۵۹۱۷۴

به استناد صورت جلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۹ تصویبات ذیل اتخاذ شد. بنیاد تعاون بسج به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۶۵۱۱۴ به نمایندگی غلام‌رضا نجمی به شماره ملی ۶۵۵۹۵۰۲۰۷ به سمت عضو هیئت مدیره و رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران (۱۴۱۴۸۰)

برگ سبزر، برگ کمپانی و کارت خودروی پژو GLX ۴۰۵ مدل ۱۳۸۱ به رنگ نوک مدادی و شماره پلاک ایران ۲۸ - ۱۱۴ اس ۳۶ و شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۲۰۶۱۹ و شماره شاسی ۳۹۲۲۸۳۹۶۹۷

متعلق به مسیمیرا بیات با کد ملی ۳۹۲۲۸۳۹۶۹۷

مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

برگ سبزر، برگ کمپانی و کارت خودروی پژو GLX ۴۰۵ مدل ۱۳۸۱ به رنگ مشکی متالیک و شماره پلاک ایران ۶۸ - ۳۲۳۹۵ و شماره موتور ۱۰۴۳۵۶۶۶۸۴ و شماره شاسی ۱۰۸۰۶۰۳۵۵۶

متعلق به سعیده رحیمی گلکوجه با کد ملی ۳۱۱۲۴۵۵۸۷

مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

برگ کمپانی و برگ سبزر و کارت خودرو سیتروئن زانتیا ۲۲۰۰۰ مدل ۱۳۸۵ رنگ نقره‌ای متالیک و شماره پلاک ایران ۴۸ - ۵۲۵۹۱۶ و شماره شاسی ۵۱۵۱۲۲۸۵۱۳۸۸۹۷

متعلق به نغمه جوکار با کد ملی ۳۴۹۰۷۳۷۹۷۰

مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

برگ کمپانی و برگ سبزر خودرو پژو هاج یک ۲۰۶ مدل ۱۳۸۰ به رنگ مشکی متالیک و شماره پلاک ایران ۶۸ - ۳۲۳۹۵ و شماره موتور ۱۰۴۳۵۶۶۶۸۴

و شماره شاسی ۱۰۸۰۶۰۳۵۵۶

متعلق به سعیده رحیمی گلکوجه با کد ملی ۳۱۱۲۴۵۵۸۷

مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

مفقودی

اینچانج ناصر نیکخواه بهیمری مالک GLX ۴۰۵ به شماره شاسی ۸۲۰۳۵۷۰۰ و شماره موتور ۲۲۵۶۸۳۷۰۵۴ به علت فقدان اسناد فروش نقاشی رونوشت الکتنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد طرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

مفقودی

برگ سبزر و برگ کمپانی خودرو پراید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۷۷ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۲۸ - ۱۴هـ ۸۷۴

و شماره موتور ۰۰۰۵۴۲۰۱ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۷۷۵۴۴۸۶۳

متعلق به حافظ جهانی زنگیر با کد ملی ۱۶۲۱۸۰۶۱۰۲

مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز